

مطالعه کیفی پیامدهای رویکرد نوسازی توسعه در نهاد خانواده: بیم‌ها و امیدها

محمد عباس‌زاده^۱، صمد عدلی‌پور^{۲*}، محمدباقر علیزاده اقدم^۳، توکل آقایاری هیبر^۴

۱- استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: M.abbaszadeh2014@gmail.com

۲- نویسنده مسئول*، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: S.adlipour@tabrizu.ac.ir

۳- استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: Aghdam1351@yahoo.com

۴- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: T.aghayari@tabrizu.ac.ir

| چکیده | اطلاعات مقاله |
|--|---|
| <p>هدف پژوهش: ورود و شروع برنامه‌های نوسازی توسعه در ایران زمینه مطلوبی برای بروز تغییر و تحولات در نهاد خانواده پدید آورده است. دگرگونی‌های به‌وجود آمده نیز پیامدهایی در خانواده ایرانی داشته‌اند. هدف پژوهش حاضر مطالعه پیامدهای رویکرد نوسازی توسعه در نهاد خانواده است.</p> <p>روش پژوهش: روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، کیفی است و از رهیافت نظریه داده بنیاد به عنوان روش عملیاتی پژوهش استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شهروندان شهر تبریز و انجمن خبرگان در این شهر هستند. راهبرد نمونه‌گیری، نظری و شیوه نمونه‌گیری، هدف‌مند است. حجم نمونه پس از اشباع داده‌ها، ۳۴ نفر به‌دست آمد.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که پارادایم یا رویکرد نوسازی توسعه منجر به پیشروی به سمت خانواده‌گریزی، ظهور رابطه ناب، شکل‌گیری عشق سیال، شکل‌گیری روابط فرامجردی، فرسایش سرمایه اجتماعی خانوادگی، مک‌دونالیزه‌شدن خانواده، افزایش تفاوت‌های بین‌نسلی بین والدین و فرزندان، شکل‌گیری دموکراسی عاطفی در خانواده، و دگردیسی صمیمیت و روابط شخصی در خانواده شده است.</p> <p>نتیجه‌گیری: در سیاست‌ها گذاری برای خانواده باید به مسائل نوظهور همچون رابطه ناب، عشق سیال، روابط فرامجردی، سرمایه اجتماعی خانوادگی، مک‌دونالیزه‌شدن خانواده، خانواده‌گریزی، تفاوت‌های بین‌نسلی بین والدین و فرزندان و غیره توجه شود.</p> | <p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷</p> <p>کلید واژه‌ها: نوسازی، توسعه، خانواده، شهر تبریز.</p> |

استناد: عباس‌زاده، م. عدلی‌پور، ص. علیزاده اقدم، م.ج. آقایاری‌هیبر، ت. (۱۴۰۴). مطالعه کیفی پیامدهای رویکرد نوسازی توسعه در نهاد خانواده: بیم‌ها و امیدها، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۴ (ویژه نامه)، ۳۷-۲۱.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع 4 CC BY است.



[10.22034/JEDS.2022.37641.1345](https://doi.org/10.22034/JEDS.2022.37641.1345)

مقدمه و طرح مسئله

خانواده یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی است که در گذر زمان تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی در معرض تغییر و تحولات ساختاری، کارکردی و ارزشی متعددی بوده است. دگرگونی و تحول خانواده یکی از مهم‌ترین مسائل عصر حاضر است. به‌طوری که گیدنز (۱۳۸۸) معتقد است در میان تغییراتی که این روزها در جریان است اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است.

تحولات خانواده از حیث ساختار و دیگر وجوه آن عمدتاً متأثر از تحولات اجتماعی و اقتصادی بوده است، اما این امر بدین معنا نیست که خانواده در هر مقطع تاریخی و اجتماعی دقیقاً دارای یک شکل ثابتی بوده؛ بلکه می‌توان گفت که شکل غالبی در مقاطع اجتماعی وجود داشته است که این نوع غالب، بیشتر مدنظر است (عبدی، ۱۳۹۶: ۵۲). ورود مدرنیته و نوسازی از مهم‌ترین عوامل بیرونی تحولات خانواده در کشورهای در حال توسعه همچون ایران است. فرایند نوسازی، جهان سنتی را که در آن زندگی معنایی روشن دارد، متلاشی می‌کند و پیوندهای جمعی و مشترک، گرم و غیرشخصی جایشان را به روابط شخصی و رقابتی در جامعه‌ای می‌دهند که مبتنی بر توفیق شخصی است (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

نوسازی عمدتاً از طریق افزایش میزان شهرنشینی، افزایش استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، گسترش تحصیلات، افزایش تحرک جغرافیایی و اجتماعی، پیشرفت علم پزشکی، ترویج ارزش‌های سکولار، بازناندیشی اجتماعی، فردگرایی، مساوات‌طلبی جنسیتی و... در تغییر و تحول خانواده نقش دارد. (Jayakody et al., 2003; Quisumbing & Hallman, 2003; Ibrahim et al., 2011; Mishra et al., 2012; Doddamani, 2014; Rahman & Uddin, 2017). نوسازی و مدرنیته، بسیاری از کارکردهای خانواده به نهادهای دیگر واگذار می‌شود و این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند، در نتیجه خانواده به واحد هسته‌ای که بر فردگرایی استوار است تبدیل می‌شود (قانع‌راد و عزلتی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

ایران (و شهرهای بزرگ آن از جمله شهر تبریز) نیز از جمله کشورهایی است که بی‌نصیب از برنامه‌های نوسازی نمانده است. به‌طوری که با ورود و شروع برنامه‌های نوسازی توسعه همچون صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش میزان تحرک اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه، زمینه مساعدی برای بروز تغییرات و پیدایش مسائل جدید در خانواده‌های ایرانی به‌وجود آمده است (آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۸۱). از مهم‌ترین این مسائل می‌توان به بی‌وفایی همسران، نگرش سهل‌گیرانه به طلاق، مصرف‌نمایی (زاهدی و نازک‌تبار، ۱۳۹۳)، فردی‌شدن (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴)، همخانگی (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱)، افزایش طلاق (اعتمادی‌فرد، ۱۳۹۴) و غیره اشاره نمود.

اما از آنجایی که تغییر و تحولات رخ داده به واسطه نوسازی، خودجوش یا درون‌زا نیستند و در بطن جامعه برای آنها بسترسازی نشده، مسائل و چالش‌هایی را در زندگی خانوادگی و اجتماعی افراد به‌وجود آورده است. رصد نمودن دائمی این پیامدها و چالش‌ها در نهاد خانواده، پیشگیری از تشدید، مقابله و سیاست‌گذاری با آنها را ضروری می‌سازد. حال وظیفه جامعه‌شناسان حوزه خانواده این است که همزمان با دگرگونی‌های گسترده رخ داده در جامعه، به مطالعه پیامدهای نوسازی در نهاد خانواده پرداخته تا از این طریق بتوان شناخت مطمئن‌تری از روند کنونی و دورنمای خانواده در ایران به‌دست آورد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این پرسش‌ها است که نوسازی توسعه چه پیامدهایی در نهاد خانواده داشته است؟ بیم و امیدهای این پیامدها کدامند؟

مبانی نظری

با توجه به این که این مطالعه به روش کیفی انجام می‌شود، از مبانی نظری به عنوان راهنمای نظری جهت تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع مورد یا به عبارت دیگر ارتقای «حساسیت نظری» در پژوهش استفاده شده است.

نوسازی به طیف وسیعی از پروژه‌های مبتنی بر تغییرات درون‌زا، مانند تمایز اجتماعی، عقلانیت، گسترش عام‌گرایی، اکتسابی، اختصاصی بودن و یا برخی پروژه‌های مربوط به تغییرات برون‌زا، مانند گسترش روابط بازار، اشاعه فناوری، صنعتی‌شدن، غربی‌شدن و... تأکید دارد (ندروین پیترز، ۱۳۹۴: ۹۴). فرایند نوسازی در ارتباط با ظهور ماشین‌آلات و فناوری‌های پیشرفته و سایر سازه‌هایی است که زندگی را آسوده‌تر کرده و بر زندگی خانوادگی، ارزش‌های فرهنگی، آموزش و ارتباطات تأثیر گذاشته‌اند (Victor Mensah, 2016: 821). همچنین نوسازی به گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن تعریف می‌شود که منجر به ظهور شیوه‌های زندگی اجتماعی می‌شود (Gavrov & Klukanov, 2015: 707). در واقع، نوسازی اشاره به فرایند تغییری دارد که از طریق آن جوامع سنتی درصددن خودشان را به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با شرایط جهان معاصر تطبیق دهند (Bright, 2000).

فرایند نوسازی، موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل و ارتباطات و... می‌گردد. تحت تاثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی خانواده در جوامع کمتر توسعه‌یافته، سرانجام به سمت مدل جهان‌شمول خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باوری پایین، و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۰). نظریه نوسازی با تأکید بر تغییرات ساختی (گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی)، تغییر ارزش‌های خانوادگی و ازدواج را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی و چهار جریان صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش تحصیلات یا آموزش همگانی، و افزایش میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، مرتبط می‌کند. بر این اساس تحولات خانوادگی به عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته، در نظر گرفته می‌شود (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۷). طبق این نظریه، به دلیل فروپاشی ترتیب‌های سنتی حاکم بر زندگی روزمره افراد همراه با استقرار سبک‌های نوین زندگی شهری و صنعتی، انگیزه و نگرش افراد در خصوص خانواده و ارزش‌های خانوادگی تغییر می‌کند (رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۹).

همچنین، در فرایند نوسازی، انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماعی به وجود می‌آید و افراد به صورت اتم‌هایی مجزا به نظر می‌رسند که به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند، یعنی دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت می‌یابد و تغییر در ایده افراد به سمت سکولاریته، مادی‌گرایی، فردگرایی و انزواطلبی، تکثرگرایی ایدئولوژیکی، نسبییت، قابلیت تغییرپذیری و تسامح صورت می‌گیرد و خانواده محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. همزمان با این تحولات، نوعی انطباق‌پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید صورت می‌گیرد. در واقع، تحولات نهادی ازدواج و خانواده، نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند. زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش عقلانیت و فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، افزایش احتمال بقای فرزندان و ترویج و گسترش فرهنگ مصرف می‌باشد (نازک‌تبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

پیشینه تجربی

تا کنون پژوهش‌های متعددی در خصوص تغییرات خانواده و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

یافته‌های پژوهش آزاد ارمکی و همکارانش (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «همخانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، نشان می‌دهد که همخانگی محصول فرایند تجدد ایرانی و گسترش جهانی‌شدن و ورود آن به ایران است. یافته‌های زاهدی و نازک‌تبار (۱۳۹۳) بیانگر آن است که بین نوسازی و بی‌وفایی همسران، نگرش سهل‌گیرانه به طلاق و مصرف‌نمایی ارتباط معنادار وجود دارد. اما بین نوسازی و اختلاف‌های خانوادگی ارتباط معناداری وجود ندارد. یافته‌های پژوهش میرمحمدرضایی و همکارانش (۱۳۹۵) حاکی از آن است که جهانی‌شدن پیامدهای دوگانه‌ای بر ساختار و کارکردهای خانواده‌ها بر جای نهاده است، با ورود عناصر جهانی مردم به شیوه‌های متفاوتی با آن برخورد داشته‌اند. یافته‌های کهنه‌پوشی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌شان بیانگر آن است که مهمترین عواملی که باعث ایجاد تغییر در ساختار خانواده و نظام خویشاوندی آن شده‌اند عبارتند از: رسانه‌های جمعی، آموزش مدرن، گسترش بهداشت، شهرنشینی، دنیاگرایی، ورود تکنولوژی، گسترش مجاری ارتباطی، و ورود دولت.

یافته‌های میرمحمدرضایی و ساروخانی (۱۳۹۷) بیانگر آن است که اگرچه جهانی‌شدن فرصت‌هایی را برای از بین بردن پدرسالاری و افزایش حقوق زنان ایجاد کرده و به افراد اجازه داده به تغییر شکل هویت خود بپردازند و با افراد هم‌فکر در شبکه‌های گسترده‌تر اجتماعی پیوند یابند؛ در مقابل، چالش‌هایی در زمینه هویت و ساختار روابط خانوادگی ایجاد کرده است. کومار (۲۰۱۲) و تینگ (۲۰۱۲) در پژوهش‌های مستقلی نشان دادند که نوسازی و جهانی‌شدن منجر به تغییر و تحولاتی در ساختار و کارکردهای خانواده شده است. این عوامل باعث غالب شدن خانواده هسته‌ای و تکثیر دیگر شکل‌های خانواده همچون همخانگی، خانواده ترمیمی، تک‌والدی و غیره شده است.

یافته‌های رحمان و آدین (۲۰۱۷) بیانگر آن است که جهانی‌شدن از طریق رسانه‌های نوین، اندیشه‌های نولیبرالیستی و توسعه اقتصادی در حال نابودی ارزش‌های خانوادگی سنتی کشورهای مسلمان از طریق تغییر نگرش افراد به طلاق، روابط خویشاوندی، روابط فرزندناشویی و غیره است.

پنتالتی (۲۰۱۸) به مطالعه «مسائل خویشاوندی و تغییرات و تداوم در روابط خانوادگی کودکان رواندایی در سه نسل» پرداخته است. در همه نسل‌ها، نهادهای مدرن و نیروهای خارجی با نهادهای خویشاوندی تغییراتی را در تجربه زندگی کودکان ایجاد نموده‌اند.

یافته‌های پژوهش صادقی و آق‌جنین (۲۰۱۹) حاکی از آن است که تمایل زیاد به طلاق با عوامل نگرشی یا ایده‌ای (فردگرایی، سکولاریسم و مساوات‌طلبی جنسیتی) و عوامل ساختاری از جمله تحصیلات، اشتغال همسر و عدم امنیت اقتصادی خانوار ارتباط دارد.

یافته‌های وانگ و یانگ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که تایوان از اواخر قرن بیستم تغییرات جمعیتی قابل توجهی، از جمله کاهش میزان باروری، افزایش امید به زندگی، به تعویق انداختن ازدواج و فرزندآوری، کاهش میزان ازدواج و افزایش طلاق را تجربه کرده است.

در یک جمع‌بندی از پیشینه پژوهش می‌توان گفت که پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر بر ابعاد نهادی و کلان نوسازی پرداخته‌اند و از بعد خرد یا ذهنی نوسازی غفلت نموده‌اند. همچنین در جامعه آماری مورد بررسی، تقریباً در هیچ پژوهشی به مطالعه تغییرات خانواده پرداخته نشده است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، کیفی است و از رهیافت نظریه زمینه‌ای به عنوان روش عملیاتی پژوهش استفاده شده است. شهروندان شهر تبریز و انجمن خبرگان (اساتید دانشگاه، مشاوران و روانشناسان خانواده، کارمندان بهزیستی، دبیران آموزش و پرورش) در تبریز که شناخت مناسبی از وضعیت خانواده در این شهر داشتند به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند شروع و بر اساس نمونه‌گیری نظری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. در واقع، براساس نمونه‌گیری هدفمند سعی شد افرادی که حامل تجربه‌های مرتبط با موضوع و مسئله و پرسش‌های تحقیق بودند انتخاب شوند. یعنی از انجمن خبرگان یا مطلعان کلیدی انواع مختلف اطلاعات لازم از جنبه‌های مختلف مسئله تحقیق به دست آورده شد. سپس برای رسیدن به اشباع نظری با نمونه‌های بیشتر و دیگری از خانواده‌های شهر تبریز مصاحبه صورت گرفت تا در نهایت به نظریه‌ای که توان کافی و لازم در زمینه توضیح و تبیین موضوع و مسئله پژوهش را دارا باشد، رسیدیم.

در مطالعه حاضر، با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، لزومی به مشخص کردن تعداد نمونه به صورت پیش فرض وجود نداشته است و تکرار داده‌های گردآوری شده قبل، مشخص کننده تعداد نمونه‌هاست. در واقع، اشباع اطلاعاتی یا نظری ملاک خاتمه نمونه‌گیری است. در مجموع با ۳۴ نفر (۱۲ نفر متخصص حوزه خانواده و ۲۲ نفر از شهروندان شهر تبریز) مصاحبه شد چرا که داده‌های گردآمده، تکراری شدند و طبقات اطلاعاتی جدیدی به دست نیامدند و بدین ترتیب محققان به اشباع نظری دست یافتند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از مصاحبه‌های عمیق استفاده شده است. پس از اتمام مصاحبه‌ها، به منظور تحلیل داده‌های گردآوری شده با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای مداوم، مطابق با روش استراوس و کربین در دو مرحله کدگذاری باز و محوری (Flick, 2018) مورد تحلیل قرار گرفتند.

همچنین برای اعتبار و اعتمادبخشی به داده‌ها، از قابلیت اعتبار یا اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اعتماد و قابلیت تأیید (Denzin & Lincoln, 2018) استفاده شده است. در واقع، به منظور رعایت قابلیت اعتبار یا روایی پژوهش سعی شد افرادی وارد مطالعه شوند که اطلاعات مفیدی در خصوص خانواده و تغییر و تحولات آن داشتند. برای رسیدن به انتقال‌پذیری، از آنجایی که در روش کیفی پژوهشگر موظف است تا مجموعه داده‌ها و توصیفات متنی خود را به نحوی کامل و غنی عرضه کند، سعی شد با عرضه کامل یافته‌ها، این مهم تحقق یابد. برای دستیابی به قابلیت اعتماد، یافته‌های پژوهش به چند تن از پاسخگویان داده شد و از آنها خواسته شد تا نتایج را بررسی و بازبینی کرده، نظرات خود را اعلام کنند. قابلیت تأیید نیز از طریق مرور و بازبینی‌های دقیق و چندین باره داده‌ها، تفسیرها و یافته‌های این مطالعه با نگاهی به مطالعات پیشین حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان

از نظر ویژگی‌های دموگرافیک، مشارکت‌کنندگان شامل ۱۷ مرد و ۱۷ زن بوده‌اند که میانگین سنی آنها ۳۹/۶۱ سال است (حداقل سن، ۱۹ و حداکثر سن، ۸۰). از نظر وضعیت تأهل، ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان مجرد و ۲۲ نفر نیز متأهل هستند. همه پاسخ‌گویان ساکن شهر تبریز بوده و تحصیلات‌شان از بی‌سواد تا دکتری (۱۰ نفر کارشناسی، ۹ نفر کارشناسی‌ارشد، ۵ نفر دکتری، ۱ نفر کاردانی، ۲ نفر دیپلم، ۱ نفر راهنمایی، ۳ نفر ابتدایی و ۲ نفر بی‌سواد) بوده است. از نظر وضعیت اشتغال، ۶ نفر از مشارکت‌کنندگان خانه‌دار، ۴ نفر دبیر، ۳ نفر دانشجو، ۳ نفر هیئت علمی و مدرس دانشگاه، ۳ نفر کارمند، ۲ نفر بازنشسته، ۱ نفر بیکار، ۱ نفر پرستار، ۱ نفر پزشک و غیره بودند.

پیامدهای نوسازی در خانواده

حرکت به سمت خانواده‌زدایی

از مهمترین پیامدهای نوسازی در خانواده‌های ایرانی می‌توان به پیشروی به سمت خانواده‌گریزی یا ظهور شکل‌های نوین خانواده همچون «خانواده سکولار یا عرفی‌شده»، «خانواده مجازی» و «خانواده آئین‌زدایی شده» اشاره نمود. خانواده سکولار را می‌توان خانواده‌ای دانست که در آن نقش مذهب در بسیاری از مناسبات درون خانوادگی کاهش پیدا کرده و به جای آن مجموعه وسیعی از آیین‌ها و ارزش‌ها و باورهای عرفی نشسته است (فاضلی، ۱۳۹۱: ۸۶). اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که امروزه در بسیاری از خانواده‌ها «بی‌حجابی یا بدحجابی در جمع‌های خانوادگی» افزایش یافته و شاهد افزایش «دست دادن و رقص اعضای نامحرم فامیل با همدیگر» هستیم. همچنین از «مراسم و جشن‌های مذهبی» در خانواده‌ها کاسته شده و به جای آن شاهد افزایش «مراسم و جشن‌های جدید همچون تولد، پارتی» و... در خانواده‌ها هستیم. از دیگر مصادیق خانواده‌های سکولار می‌توان به «کاهش نام‌گذاری فرزندان با اسامی امامان و معصومین» اشاره نمود که آرام آرام جای خود را به «نام‌های ترکی و جدید» می‌دهند. برخی مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«الان زن و مرد بدون در نظر گرفتن محرم و نامحرم بدون حجاب پیش هم نشست و برخاست دارند یا پیش همدیگر آهنگ شاد می‌گذارند و می‌رقصند» (مرد ۳۵ ساله، فروشنده).

«خیلی‌ها دیگر نام امامان را بر روی فرزندان خود نمی‌گذارند و از اسم‌های جدید و ترکی استفاده می‌کنند. خیلی از خانواده‌ها به جای سفر حج، کربلا، مشهد و غیره به ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، کیش و غیره می‌روند. الان دیگه در خیلی از خانواده‌ها سفره‌های نذری، خیرات، مراسم و جشن‌های مذهبی جای‌شان را به جشن تولد، پارتی‌ها و مهمانی‌های شبانه و... داده است» (مرد ۲۶ ساله، بازاریاب).

پدیده «خانواده مجازی»، پس از گسترش و رواج انواع متعدد رسانه‌های جمعی شکل گرفته است و به معنای خانواده‌هایی است که برای انجام امور روزانه خود بیش از هر چیز از فضای مجازی اعم از تلویزیون، ماهواره، اینترنت، و شبکه‌های اجتماعی مجازی کمک گرفته و بخش زیادی از زمان خود را به طور روزانه صرف استفاده از آنها می‌کنند (فاضلی، ۱۳۹۳: ۴۰۳). اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که رسانه‌های نوین و فضای مجازی بر سبک زندگی افراد در خانواده تأثیر گذاشته و منجر به «ارتباط اعضای خانواده با همدیگر از طریق تماس‌های صوتی و تصویری»، «انجام بسیاری از کارهای خانه در اینترنت»، «تحول هویت اجتماعی افراد از سنتی به مدرن»، «اینترنتی شدن صله‌رحم» و «سراغ گرفتن اعضای فامیل از یک‌دیگر به واسطه پیامک و شبکه‌های اجتماعی مجازی» و... شده است.

«الان خانواده‌ها زمان زیادی از وقت‌شان را صرف تماشای تلویزیون و استفاده از فضای مجازی می‌کنند. ارتباط خیلی از خانواده‌ها از طریق تماس‌های صوتی و تصویری شکل می‌گیرد. در سایه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی اعضای خانواده راحت‌تر به مناطق دور می‌روند چون هر لحظه امکان تماس‌های تصویری وجود دارد. خیلی از افراد از طریق اینترنت در منزل‌شان بازاریابی می‌کنند و در گروه‌ها و کانال‌ها مجازی می‌توانند تولیدات‌شان را به فروش برسانند. خیلی از کارهای خانه مثل پرداخت قبوض، خرید لباس و لوازم آرایشی و بهداشتی و... از طریق اینترنت صورت می‌گیرد» (مرد ۲۶ ساله، بازاریاب).

در گذشته و مطابق سنت، خانواده بر اساس مجموعه‌ای از آئین‌ها، رسوم و الگوهای فرهنگی ساخت‌یافته اداره می‌شد (فاضلی، ۱۳۹۱: ۶۹). اما امروزه بسیاری از آئین‌ها و مراسم خانوادگی جنبه فردی به خود گرفته‌اند و دیگر حول و حوش خانواده صورت نمی‌گیرند. بنابراین، نوع تازه‌ای از خانواده در حال ظهور است که دیگر آئینی و جمع‌گرا نیست، بلکه فردگرا و آئین‌زدایی شده است. البته آئین‌زدایی از خانواده به معنای از بین رفتن مراسم و رسوم خانوادگی نیست، بلکه به معنای آن است که ارتباط این مراسم با خانواده‌ها در حال دگرگونی است. اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که بسیاری از آئین‌های خانوادگی گذشته همچون مراسم ازدواج با تجملات و تشریفات زیادی برگزار می‌شود و سفره انداختن و غذا خوردن پای سفره جای خود را به غذا خوردن روی میزهای ناهارخوری داده است. برای مثال:

«الان دیگه در خیلی از خانواده‌ها سفره‌های ندری، خیرات، مراسم و جشن‌های مذهبی جای‌شان را به جشن تولد، پارتی‌ها و مهمانی‌های شبانه و... داده‌اند» (مرد ۲۶ ساله، بازاریاب).

ظهور رابطه ناب

گیدنز بر این نظر است که ازدواج در گذشته نوعی قرارداد بود که اغلب به ابتکار والدین یا خویشاوندان - و نه خود طرفیت امر - به تحقق می‌پیوست. قرارداد ازدواج معمولاً به شدت تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی قرار داشت و بخشی از داد و ستدها و شبکه‌های اقتصادی وسیع‌تر را تشکیل می‌داد. ولی به‌طور کلی، در جوامع مدرن این الزام‌های برونی و پیش‌ساخته در حال ریشه‌کن شدن است. بدین ترتیب، ازدواج بیش از پیش به صورت رابطه‌ای (که گیدنز نام رابطه ناب به آن می‌دهد) درآمده است که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاصی است که از همزیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۳۱). اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که اصولی که گیدنز برای رابطه ناب برشمرده است را می‌توان در بین خانواده‌های شهر تبریز ملاحظه نمود. به طوری که در بین نسل جوان «آشنایی دختر و پسر قبل از ازدواج به صورت فردی یا شخصی» صورت می‌گیرد و والدین یا خویشاوندان نقش بسیار کمتری در گزینش همسر برای جوانان دارند. «عشق و علاقه دختر و پسر به یکدیگر به‌خاطر خودشان است نه الزام‌های بیرونی». عشق و ازدواج تا وقتی دوام پیدا می‌کند که بین دختر و پسر «اعتماد» وجود دارد و «ازدواج توأم با رضایت خاطر عاطفی» باشد و با از بین رفتن رضایت خاطر ازدواج و اعتماد بین زوجین، ازدواج پایان می‌یابد.

«الان عشق‌ها طوری شده‌اند که با رضایت درونی همراه هستند و طرفین در آن آزاد هستند و محدودکننده نیست. خود افراد تعیین‌کننده شده‌اند نه خانواده‌ها. دختر و پسر همدیگر رو بخاطر خودشان می‌خواهند نه دیگران. رابطه‌ها و عشق‌ها تا وقتی دوام می‌آورند که اعتماد به همدیگر وجود دارد و افراد وقتی ببینند اعتمادی وجود ندارد زود رابطه را قطع می‌کنند. در واقع الان بعد از ازدواج خیلی‌ها وقتی می‌بینند که ازدواج‌شان رضایت خاطر عاطفی ندارد زود رابطه را بهم می‌زنند زن و مرد هم ندارد و دختر و پسر در یک رابطه باید با همدیگر برابر باشند و وقتی دیدند رابطه‌شان به درد نمی‌خورد باید جدا شوند» (زن ۳۵ ساله، معمار).

شکل‌گیری عشق سیال

عشق سیال محصول دوران مدرنیته متأخر و رویکردهای پسامدرن در غرب است. در این الگوی جدید، مفهوم عشق «بازتعریف» شده و در قاب نسبیتهی شدید قرار گرفته است. این الگوی جدید از رابطه تعهدهای سخت‌گیرانه و مطلق‌گرایانه عشق رمانتیک را نقض می‌کند و منکر ضرورت روابط صمیمانه و متعهدانه است. عشق سیال در واقع، عشق نیست بلکه رابطه‌ای دوستانه است (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴). در الگوی عشق سیال، عشق شامل رویدادهایی سریع، کوتاه و تکان‌دهنده، سرشار از آگاهی پیشین از شکنندگی و از این جهت نیازمند مهارت‌های اکتسابی در سریع به پایان رساندن و شروع مجدد است (نیازی و پرینان، ۱۳۹۳: ۵۷۰). مطابق اظهارات مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، عشق سیال شامل «موقتی و سطحی شدن روابط عاشقانه»، «کالایی شدن ازدواج» و «آنومی یا بی‌هنجاری در ازدواج» است.

موقتی و سطحی شدن روابط عاشقانه بیانگر آن است که امروزه نزد بسیاری از جوانان «تعهدات در ازدواج کمتر شده» و جوانان به دنبال «تنوع‌طلبی» و «آزادی بیشتر» هستند. در بیشتر مواقع هم دختر و پسر «همزمان با چندین نفر در ارتباط» هستند و صمیمیت چندانی در بین آنها وجود ندارد. «روابط عاشقانه مقطعی و کوتاه مدت شده‌اند و ازدواج به عنوان یک رابطه دائمی تلقی نمی‌شود» و «ورود و خروج به روابط عاشقانه به آسانی صورت می‌گیرد».

«الان واقعاً نمی‌شود به کسی در زمینه ازدواج و ابزار عشقش اعتماد کرد. انگار عشق مثل یک شی یا کالا شده که آن را می‌خرید و نیازهای‌تان را برطرف می‌کنید و تاریخ مصرفش که گذشت، دور می‌اندازید. الان دختر و پسر زود از همدیگر سیر می‌شوند و تعهد خاصی به آن صورت به همدیگر ندارند. الان شرایط طوری شده که دختر و پسر قبل از ازدواج با چندین نفر بوده‌اند یا بعضاً همزمان با دو سه نفر رابطه دارند. ببینید می‌خواهم این را بگوئیم که روابط

عاشقانه کوتاه شده‌اند، تعهد در آنها زیاد نیست، آزادی عملی بیشتر و قید کمتری در آنها وجود دارد، یعنی درها باز است و راحت‌تر می‌توان یک رابطه را تمام کرد. الان روابط و عشق‌ها خیلی سطحی شده‌اند و به سادگی می‌توانید وارد یک رابطه شوید و به سادگی آن را تمام کنید» (زن ۳۹ ساله، آرایشگر).

در کالایی شدن ازدواج، منطبق کالا و بازار بر آن حاکم می‌شود و ازدواج از حالت پیوند بین دو نفر خارج شده و تبدیل به یک رابطه اقتصادی می‌شود که در آن افراد به دنبال سود و منفعت هستند. در واقع افراد به ازدواج به‌عنوان معامله یا تجارت نگاه می‌کنند. در چنین شرایطی، معیارها و ملاک‌هایی همچون پول، مدرک تحصیلی یا تحصیلات، وضعیت مالی خوب و غیره در اولویت ازدواج افراد قرار می‌گیرند. در فرایند کالایی شدن ازدواج، خانواده‌ها بر روی مراسم عقد و ازدواج تجملاتی و تشریفاتی و مهریه‌های سنگین برای تضمین آینده‌نگری بعد از طلاق تأکید خاصی دارند. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه معتقدند:

«وقتی ازدواج می‌کنم که بفهمم ارزشش را دارد و نفع و سودی برای من دارد والا به عشق و علاقه خالی چیزی نمی‌دهند. ترجیح خودم این است که با کسی ازدواج کنم که پول برایش مهم باشد و هر چیزی خواستم برای من جور کند. اگر هم با کسی ازدواج کنم که از نظر مالی متوسط هست سعی می‌کنم مهریه‌ام رو زیاد بگوئیم تا وقتی فردا مشکلی پیش آمد در آینده دستم به جایی بند باشد» (زن ۳۵ ساله، معمار).

«خیلی از دختر و پسرهای الان عقد مفصل می‌خواهند و برای عروسی‌شان در تالار هزینه‌های زیادی هزینه می‌کنند» (مرد ۷۸ ساله، بازنشسته).

آنومی در ازدواج نیز از دیگر مولفه‌های عشق سیال است که در اظهارات مشارکت‌کنندگان مشاهده شد که بی‌ارتباط با کالایی شدن ازدواج نیست. در گذشته و در عرف جامعه، سن مردان در ازدواج اکثراً بیشتر از زنان بوده و پیشنهاد ازدواج از سوی مردان به زنان داده می‌شد. اما امروزه این تنظیمات فرهنگی به همان شدت سابق رعایت نمی‌شوند و ما شاهد «ازدواج دختران جوان با مردان پولدار بزرگ‌تر از خود»، «ازدواج پسران با دختران بزرگ‌تر از خود به خاطر شغل و پول دختر»، «پیشنهاد ازدواج از سوی دختران به پسران»، هستیم.

«اگر بدانم حتی طرف از من ۱۸ یا ۲۰ سال هم بزرگ‌تر هست ولی از نظر مالی شرایطش توپ هست حاضرم با او ازدواج کنم» (زن ۳۵ ساله، معمار).

«یک مشتری دارم که ۲۵ سال دارد و با مرد ۴۲ ساله که پولدار است ازدواج کرده. به او می‌گویم چرا با این ازدواج کردی؟ می‌گوید بروم با یکی که درس خوانده ازدواج کنم که چه بشود؟ هیچی ندارد ولی این پولداره نازم را می‌کشد و مدام با او مسافرت خارجی می‌روم. مشتری دیگر هم که با طرفش ۲۰ سال فاصله سنی داره دلیل ازدواجش را پول و کارخانه طرفش می‌داند» (زن ۳۹ ساله، آرایشگر).

شکل‌گیری روابط فرامجردی

یکی دیگر از پیامدهای نوسازی در خانواده، شکل‌گیری روابط فرامجردی است. روابط فرامجردی متشکل از تجردزیستی و پیدایش مجردان متأهل است. اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که تجردزیستی یا زندگی مجردی فرزندان جدا از خانواده‌هایشان، به شدت در حال افزایش است و تحت تأثیر عوامل مختلفی به وجود می‌آید. از مهمترین دلایل شکل‌گیری این نوع الگوی زندگی می‌توان به افزایش «تمایل به تحصیلات و کار در شهرهای بزرگ»، «فج‌زدایی از زندگی مجردی»، «کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق»، «اختلاف یا تعارض با والدین»، و «تمایل به استقلال و هویت‌یابی مستقل» است. در این زمینه برخی از اظهارات مشارکت‌کنندگان بدین صورت است:

«خانوارهای تک نفره یا زندگی مجردی هم در بین جوانان خیلی زیاد شده است که دلیل آن هم تمایل به تحصیلات و کار در شهرهای بزرگ، کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق است» (مرد ۴۸ ساله، کارمند بهزیستی).

«زشتی خیلی از چیزها مثل زندگی مجردی از بین رفته و دیگر کسی این چیزها را عیب و عار نمی‌داند و اتفاقاً کلاس (باکلاسی) هم می‌دانند» (مرد ۳۵ ساله، فروشنده).

مقوله پیدایش یا شکل‌گیری «مجردان متأهل» از دیگر پیامدهای تغییر و تحول نهاد خانواده است. همخانگی یا همبالی‌بی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن دختر و پسر در قالب زن و شوهر زیر یک سقف با یکدیگر زندگی می‌کنند بدون این که هر گونه مراسم قانونی مبنی بر ازدواج را برگزار کرده باشند (بارلو و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۰). البته در همخانگی، زیر یک سقف زندگی کردن مرد و زن به صورت غیرقانونی است و مدت زمانی که می‌خواهند با هم زندگی کنند نیز نامشخص است (هووانگ و همکاران، ۲۰۱۱). برای مثال:

«دوستی‌های قبل از ازدواج زیاد شده و همخانگی هم در تبریز در حال افزایش است» (مرد ۳۴ ساله، مشاور خانواده).
 «ازدواج سفید هم الان تو شهرهای بزرگ مثل تبریز باب شده است. دو سه تا از دوستان من با یک دختری در یک خانه زندگی می‌کنند بدون اینکه ازدواج کرده باشند» (مرد ۳۸ ساله، شغل آزاد).

اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که مهمترین دلایل شکل‌گیری همخانگی در شهر تبریز عبارتند از: «تضعیف ارزش‌های دینی»، «گمنامی در شهرهای بزرگ»، «استفاده از رسانه‌های نوین»، «پذیرش دانشجو از شهرهای دیگر»، «افزایش حضور زنان یا دختران در جامعه»، «افزایش سن ازدواج»، «ترس از مسئولیت‌پذیری»، «افزایش فردگرایی»، «بازاندیشی» و «افزایش طلاق در جامعه» است. در این زمینه اظهارات برخی از مشارکت‌کنندگان بدین صورت است:

«خیلی‌ها بخاطر این که اینجا دانشجو هستند و کسی آنها را نمی‌شناسد درگیر ازدواج سفید می‌شوند» (زن ۲۸ ساله، خانه‌دار).
 «الان برای خیلی از جوان‌ها ارزش‌های خانوادگی و جامعه مطلق نیستند بلکه نسبی هستند و ازدواج تنها راه تشکیل خانواده نیست. یا ازدواج تنها راه تأمین نیازهای جنسی فرد نیست. قرار نیست فقط از طریق ازدواج با هم بود بلکه بدون ازدواج هم می‌شود با هم زندگی کرد» (زن ۲۹ ساله، پرستار).

فرسایش سرمایه اجتماعی خانوادگی

اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که در نتیجه تغییر و تحولات رخ داده در بستر نوسازی همچون ورود رسانه‌های نوین و افزایش فردگرایی در خانواده‌ها، سرمایه اجتماعی درون خانوادگی با فرسایش رو به رو شده است. به طوری که از میزان «اعتماد»، «همکاری»، «انسجام»، و «پیوندهای عاطفی» در خانواده‌ها کاسته شده است.

«به‌نظرم الان در خیلی از خانواده‌ها اعتماد زن و شوهر به همدیگر کمتر شده است. همچنین تعاملات و گفتگوهای خانوادگی در خانواده‌ها کاهش پیدا کرده و این مسئله نیز باعث تضعیف پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده شده است» (مرد ۴۸ ساله، کارمند بهزیستی).

همچنین در گذشته میزان تعاملات و ارتباطات خانواده‌ها با یکدیگر زیاد بود و افراد به مناسبت‌های خاصی دور هم جمع می‌شدند. این در حالی است که امروزه از رفت و آمدهای خانوادگی، ارتباطات خویشاوندی و شب‌نشینی‌های خانوادگی کاسته شده و گستره فامیل کاهش یافته است. در این زمینه برخی از مشارکت‌کنندگان معتقدند که:

«صله‌رحم به آن صورت دیگر در بین خانواده‌ها باب نیست و خانواده‌ها با همدیگر کمتر رفت و آمد دارند و از شب‌نشینی‌های قدیم خبری نیست. صله‌رحم‌ها اکثراً اینترنتی شده‌اند و بیشتر با زنگ و اس‌ام‌اس بچه‌ها از حال و روز من و خانم من خبردار می‌شوند» (مرد ۷۸ ساله، بازنشسته).

مک‌دونالیزه‌شدن خانواده

مک‌دونالیزه شدن فرایندی است که طی آن اصول حاکم بر رستوران‌های غذای حاضری آرام آرام بر بخش‌های بیشتری و بیشتری از جامعه مسلط می‌شود. مهمترین اصول رستوران‌های مک‌دونالد عبارتند از: کارآیی یا بهره‌وری، پیش‌بینی‌پذیری یا محاسبه‌پذیری، تأکید بر کمیت به جای کیفیت و جایگزینی فناوری‌های غیرانسانی به جای انسان (ریتزر، ۱۹۹۲). یافته‌های

پژوهش بیانگر آن است که نهاد خانواده و جامعه ما با گذشت زمان بیش از پیش عقلانی‌تر می‌شود. به‌طوری که اصول چهارگانه فرایند مک‌دونالیزه‌شدن را می‌توان در خانواده‌ها ملاحظه کرد. افزایش کارآیی (گزینش بهترین وسایل دستیابی به هدف) و سرعت در خانواده را می‌توان در اموری چون «افزایش استفاده از مواد غذایی و غذاهای آماده و کنسرو شده در خانواده‌ها»، «افزایش غذا خوردن در رستوران‌ها و فست‌فودها»، و «سفارش غذای خانگی از بیرون» مشاهده نمود. همچنین آشپزی با ورود دستگاه‌ها یا ماشین‌ها همچون ماکروفر با سرعت بیشتری انجام می‌گیرد. علاوه بر این، دیگر از غذاهای دشوار که نیاز به صرف وقت بسیار بود، خبری نیست و استفاده از فست‌فودها و غذاهای آماده نیازمند زمان کمی است.

«در گذشته زنان مسئول آشپزی و پخت و پز بودند اما الان خیلی از مواد غذایی به شکل کنسرو شده و آماده هستند. حتی زنان سبزی و نمی‌دانم هویج و غیره را به شکل خرد و پاک شده از بیرون می‌گیرند» (مرد ۴۴ ساله، هیئت علمی).

افزایش پیش‌بینی‌پذیری (به معنای جهانی است که در آن برای حوادث غیرمنتظره جایی وجود ندارد) در خانواده را می‌توان در «انجام کارهای خانه به شکل عادی یا روتین‌وار» و «انجام کارهای خانه مطابق با برنامه‌های تکراری و مشخص» دید.

«خیلی از کارهای خانه به شکل عادی و روزمره طبق برنامه‌های تکراری و مشخص صورت می‌گیرند مثلاً چه ساعتی بچه را ببرید مدرسه از مدرسه بیاورید، کی ناهار و شام بخوریم، کی سر کار برویم و...» (مرد ۴۴ ساله، هیئت علمی).

جایگزینی ماشین به جای انسان در خانواده نیز بیانگر آن است که به واسطه پیشرفت تکنولوژی، امروزه بسیاری از کارهای خانگی سابق که توسط افراد به‌ویژه زنان انجام می‌گرفت توسط ماشین‌هایی چون لباس‌شویی و ظرف‌شویی انجام می‌گیرد. با ورود ماشین‌ها به خانه، بسیاری از کارهای خانگی آسان‌تر شده و باعث شده زنان زمان و آزادی بیشتری به دست بیاورند و خروج‌شان از خانه و حضور در جامعه تسهیل شود. همچنین انجام بخشی از کارهای خانه همچون شستن و اتوی لباس‌ها در خارج از خانه نیز در حال گسترش است.

«بسیاری از کارهای خانه با سرعت زیاد در اسرع وقت توسط ماشین لباسشویی، ظرف‌شویی، بخارشویی، جاروبرقی و غیره انجام می‌گیرد و زن‌ها دیگر مثل قبل کارها را دستی انجام نمی‌دهند» (مرد ۳۰ ساله، هیئت علمی).

«تاکید بر کمیت به جای کیفیت در خانه» را بیشتر از هر جایی می‌توان در شیوه تزئین خانه مشاهده نمود که این تزئین در چهارگوشه خانه به چشم می‌خورد. چه بسیاری از خانواده‌هایی که چندین نوع یا دست از وسایل را در خانه انبار کرده‌اند و از کمترین استفاده‌ای از آنها نمی‌شود.

«خارج شدن خانه و خانواده‌ها از حالت ساده و افزایش استفاده از وسایل دکوراسیون در جای جای خانه هم می‌تواند یک پیامد دیگر باشد که در جای جای خانه شما این وسایل دکور یا تزئین را می‌بینید که خیلی وقت‌ها هیچ استفاده‌ای از آنها نمی‌شود و صرفاً برای نشان دادن به دیگران هستند» (مرد ۴۴ ساله، هیئت علمی).

افزایش تفاوت‌های بین‌نسلی بین والدین و فرزندان

تفاوت نسلی بین والدین و فرزندان به معنای عدم توافق بر سر انتظارات، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها در خانواده می‌باشد. این تفاوت به معنای وجود اختلاف‌نظرهای مهم میان والدین و فرزندان در جنبه‌های مختلف زندگی همچون الگوی همسرگزینی، الگوی مصرف کالاهای فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت، رفتار دینی، نگرش به جنسیت و غیره است (صوری خسروشاهی، ۱۳۹۳: ۷۹). امروزه به‌خاطر افزایش تحصیلات فرزندان نسبت به والدین، افزایش استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی توسط جوانان، حضور و اشتغال زنان و دختران در جامعه، تغییر سبک زندگی جوانان نسبت به والدین و... در نگرش‌ها و رفتارهای جوانان و بزرگ‌ترها تفاوت‌های چشمگیری مشاهده می‌شود. نسل جوان دیگر خود را به آن صورت در قید و بند ارزش‌ها و باورهای گذشتگان نمی‌بیند و به دنبال شیوه‌های زیست مدرن برای خود است. برخی از سنت‌ها و هنجارهای سابق میان جوانان کمرنگ شده یا از بین رفته‌اند. «این دگرگونی‌های رخ داده نشانگر آن است که جوانان در

جریان وسیع اطلاعات قرار گرفته‌اند و اطلاعات آنان در دنیای پیشرفته در حال تغییر، موجب پیدایش مداوم ارزش‌های مدرن شده است تا جایی که با نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا شده‌اند و به همان میزان سطح انتظارات و توقعات آنها افزایش یافته است» (معیدفر، ۱۳۸۷: ۱۹۵). دگرگونی‌های به‌وجود آمده تا حدی است که می‌توان صحبت از «عدم درک متقابل فرزندان و والدین»، «اختلاف نظر فرزندان با والدین در سلیقه و علایق»، «قدیمی و منسوخ دانستن افکار بزرگ‌ترها از سوی فرزندان»، «زبان و ادبیات متفاوت نسل جوان با نسل گذشته»، و «قبول نکردن طرز فکر نسل‌های گذشته توسط نسل امروز» یاد کرد.

«الان از ارتباطات میان نسل‌ها کاسته شده است و نسل‌های جوان‌تر زبان و ادبیات متفاوت‌تری نسبت به نسل‌های گذشته دارند. نسل جوان در خیلی از موارد طرز فکر و تفکرات نسل‌های گذشته مخصوصاً نسل‌های قبل از انقلاب و خود انقلاب را قبول ندارد و نسل‌های جوان‌تر در خیلی از موارد اطلاعات بیشتری از نسل‌های گذشته دارند و به روزتر هستند» (مرد ۴۴ ساله، هیئت علمی).

«در سایه استفاده از اینترنت و ماهواره، نسل جوان ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی نوینی را پذیرفته‌اند؛ به طوری که ارزش‌ها و باورهای نسل جوان با ارزش‌های نسل‌های قبل از خودمان دیگر منطبق نیستند» (زن ۲۸ ساله، خانه‌دار).

شکل‌گیری دموکراسی عاطفی در خانواده

طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان، امروزه در خانواده‌ها شاهد «تضعیف مردسالاری»، «برابر شدن قدرت بین زن و مرد»، «تساوی زن و مرد»، «افزایش قدرت چانه‌زنی زنان»، «اتخاذ تصمیمات به شیوه دموکراتیک»، «رواج اعتماد و احترام متقابل در خانواده بین زن و مرد»، «مسئولیت‌پذیری مردان در انجام برخی از کارهای خانه»، «اهمیت داشتن طرز فکر و دیدگاه‌های مشابه در زندگی بین زن و مرد»، «اهمیت داشتن احترام به افکار و عقاید همدیگر»، «کاهش خشونت به‌ویژه خشونت فیزیکی بین زن و مرد»، «رواج حق انتقاد و آزادی در خانواده» هستیم که بیانگر شکل‌گیری دموکراسی عاطفی مدنظر گیدنز در خانواده‌های تبریزی است. برای مثال:

«یکی از پیامدهای تغییر و تحول در خانواده، برابر شدن قدرت در خانواده است. الان در خیلی از خانواده‌ها برابری، اعتماد متقابل، عدم خشونت، آزادی بیان و استقلال عمل، حق مخالفت، انتقاد در تمامی جنبه‌ها، تصمیم‌گیری از طریق مشورت و مسئولیت‌های برابر وجود دارد» (مرد ۲۶ ساله، بازاریاب).

«کاهش مردسالاری در جامعه و خانواده، افزایش نقش و قدرت زنان در خانواده، و کاهش خشونت خانگی مخصوصاً خشونت جسمانی بنظر من از پیامدهای مثبت و مهم تغییرات در خانواده هستند» (مرد ۵۲ ساله، دبیر).

دگرذیسی صمیمیت و روابط شخصی در خانواده

گفته‌های مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که روابط و تعاملات نزدیک و شخصی اعضای خانواده دچار دگرگونی‌هایی شده است. به طوری که زن و مرد در گذشته کمتر به یکدیگر ابراز احساسات و عاطفه نشان می‌دادند و در صورت بروز ابراز احساسات، بیشتر به شکل غیرعلنی صورت می‌گرفت. چرا که ابراز احساسات زن و مرد در گذشته نوعی بی‌شرمی یا بی‌حیایی تلقی می‌شد. این در حالی است که امروزه ابراز احساسات زن و مرد به یکدیگر به صورت آشکاری در مواقع تنهایی و حتی حضور دیگران صورت می‌گیرد. برای مثال:

«پدرم می‌گوید که وقتی من و مادرتان نامزد بودیم هیچ وقت پیش کسی به همدیگر ابراز احساسات و محبت نمی‌کردیم ابراز احساسات کردن یک نوع بی‌حیایی و پررویی تلقی می‌شد. الانم به همدیگر ابراز احساسات نمی‌کنند. یعنی تا حالا نشنیدم پدر و مادرم به همدیگر بگویند دوست دارم» (مرد ۳۵ ساله، فروشنده).

«الان زوج‌های جوان به همدیگر پیش همه راحت ابراز احساسات می‌کنند من پیش پدر و مادر خودم و پیش پدر زن و مادرزنم به زخم ابراز احساسات می‌کنم» (مرد ۳۸ ساله، شغل آزاد)

همچنین در تعاملات والدین با فرزندان نیز دگرگونی‌هایی اتفاق افتاده است. در گذشته، والدین به‌ویژه مردها، نسبت به فرزندان‌شان ابراز احساسات و علاقه‌ای به صورت آشکار از خود نشان نمی‌دادند. اما، امروزه والدین حتی در حضور دیگران نیز به فرزندان‌شان ابراز علاقه می‌کنند. برای مثال:

«پدر و مادرهای قدیمی اصلاً به بچه‌هاشون ابراز احساسات نمی‌کردند مثلاً تا حالا من با پدرم روبروی نکرده‌ام یعنی پدرم من را نبوسیده است. اما من جلوی همه، بچه کوچک خودم را بوس می‌کنم و باهاش بازی می‌کنم» (مرد ۳۵ ساله، فروشنده).

علاوه بر این، تعاملات بین فرزندان نیز دچار تغییر و تحولاتی شده است. ورود اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث افزایش اوقات فراغت و سرگرمی‌های فرزندان در فضای مجازی شده و منجر به تضعیف روابط فرزندان با یکدیگر و افزایش تنهایی‌های آنها نیز شده است.

«خواهر و برادر در یک خانواده‌ای به حدی سرشان گرم شبکه‌های اجتماعی شده که خیلی سرد شده‌اند با همدیگر. الان روابط بچه‌ها در خانواده‌ها خیلی سردتر از گذشته شده و هر بچه‌ای اتاق خواب و اتاق جداگانه‌ای دارد و مشغول فضای مجازی هست» (مرد ۴۶ ساله، روحانی).

تعامل با دوستان و همکاران نیز بعد دیگری از دگرگونی در روابط نزدیک و شخصی افراد است که در خانواده‌های امروزی پدیدار شده است. «در گذشته روابط شخصی افراد در خانواده شامل تعامل با اعضای خانواده و خویشاوندان نزدیک بوده است و دوستان و همکاران در خارج از این دایره قرار داشتند؛ این به معنای نبود صمیمیت با دوستان و همکاران نبوده است بلکه به این معنا است هر چند که صمیمیتی عمیق بین همکاران و دوستان وجود داشته است، اما جایگاه خاص خودشان را داشته و در حریم تعاملات خانوادگی شخص ورود نمی‌کردند و مرزها مشخص بودند» (رحیمی و رضایی، ۱۳۹۶: ۷۱). اما امروزه با افزایش اشتغال و حضور زنان و مردان در جامعه و گسترش دسترسی به فضای مجازی، تعاملات و روابط خانوادگی با همکاران و دوستان تغییر پیدا کرده و آنها نیز وارد خانواده و روابط شخصی افراد شده‌اند.

«ان به خانواده‌ها پای همکاران و دوستان خانم و آقا باز شده و رفت و آمد با آنها زیاد شده است. در حالی که قدیم فقط همسایه‌ها یا فامیل‌ها رفت و آمد داشتند و افراد غریبه کمتر به خانه می‌آمدند» (مرد ۳۵ ساله، فروشنده).

نتیجه‌گیری

ورود نوسازی به جوامع در حال توسعه، ارزش‌ها و هنجارهای جدید را از طریق رشد شهرنشینی، گسترش استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، افزایش تحصیلات، رشد فردگرایی، افزایش بازاندیشی، مساوات‌طلبی جنسیتی، افزایش اشتغال زنان و غیره، نهاد خانواده را متحول کرده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که نوسازی منجر به شکل‌گیری چالش‌ها یا بیم‌هایی همچون خانواده‌گریزی، ظهور رابطه ناب، شکل‌گیری عشق سیال، شکل‌گیری روابط فرامجردی، فرسایش سرمایه اجتماعی خانوادگی، مک‌دونالیزه‌شدن خانواده، افزایش تفاوت‌های بین‌نسلی بین والدین و فرزندان، و فرصت‌ها یا امیدهایی چون شکل‌گیری دموکراسی عاطفی در خانواده و دگرگونی صمیمیت و روابط شخصی در خانواده شده است.

نوسازی فرایندی چندبعدی و پیچیده است که از طرق مختلف باعث تغییر و تحولات در نهاد خانواده می‌شود. یکی از این مؤلفه‌ها، فردگرایی است. در جوامع مدرن، گسترش فردگرایی و تأکید بر شخصیت مستقل، پایه و اساس تنظیم روابط اجتماعی است. رواج فردگرایی در جامعه ایران امری است که بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران به آن اذعان دارند. تورنتون معتقد است که فردگرایی اساس تغییر خانواده در کشورهای صنعتی و دیگر نقاط جهان است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲). گسترش فردگرایی به عقاید و نگرش‌هایی برای تنها زیستن، همخانگی، طلاق، ازدواج مجدد و کاهش تأثیر هنجارهای اجتماعی بر رفتار فرزندآوری منجر شده است (رستگارخالد و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۳). در واقع، فردگرایی باعث شده که افراد از خانواده‌ها جدا شوند و خودمختاری بیشتری را به دست آورند. با کسب خودمختاری، آنها توانسته‌اند به تصمیمات

روشنی درباره روابط خانوادگی خود برسند (چیل، ۱۳۸۸). تصمیماتی نظیر زمان ازدواج، زیست مجردانه، گزینش آزاد همسر، به تأخیر انداختن فرزندآوری، تعداد فرزندان و غیره. همه این تصمیمات تحت تأثیر مدرنیزاسیون دچار تغییر و تحولاتی شده‌اند و باعث شکل‌گیری پیامدهایی همچون رابطه ناب، شکل‌های نوین خانواده، روابط فرامجردی و کاهش سرمایه اجتماعی در نهاد خانواده شده‌اند.

همچنین نوسازی از طریق بازاندیشی، تأثیرات یا پیامدهایی بر نهاد خانواده گذاشته است. از آنجایی که در زندگی اجتماعی مدرن، عملکردهای اجتماعی پیوسته مورد بازنگری قرار می‌گیرند و در پرتو اطلاعات تازه، اصلاح و مدام دگرگون می‌شوند، تجدیدنظر در همه جنبه‌های زندگی امری اجتناب‌ناپذیر است. بازاندیشی سنت و ارزش‌های سنتی جامعه یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته است که با فرایند نوسازی تشدید یافته است. به طوری که پای فرایند بازاندیشی به عرصه نهاد خانواده و ازدواج نیز گشوده شده است (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱). عرصه‌ای که در گذشته بی‌چون و چرا پذیرفته می‌شد امروزه ماهیت و کارکردش به چالش کشیده می‌شود و الگوها و شیوه‌های جدیدی همچون روابط فرامجردی به ویژه همخانگی، رابطه ناب، عشق سیال، خانواده‌گریزی (خانواده آئین‌زدایی شده، خانواده سکولار و خانواده مجازی) ظهور می‌یابند.

علاوه بر این، گسترش تحصیلات و استفاده از رسانه‌های نوین نیز به نوبه خود باعث به وجود آمدن تغییراتی در خانواده شده‌اند. رسانه‌های نوین همچون اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای عاملی تأثیرگذار بر شیوه‌های عمل و تعامل مردم با یکدیگر هستند که با توجه به اطلاعات و محتواهایی که انتقال می‌دهند به صورت‌بندی‌های خاص خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی منجر می‌شوند. با دسترسی و استفاده از رسانه‌ها افراد با سبک‌های زندگی مدرن آشنا می‌شوند. همچنین با امکانات فراوانی که رسانه‌ها در اختیار افراد می‌گذارند، آنها دائماً با محرک‌های جدید و کنش‌های اجتماعی مختلف آشنا می‌شوند. در این زمینه، اینکلس و اسمیت^۱ (۲۰۱۴) معتقدند که استفاده از وسایل ارتباط جمعی منجر به تغییر وجه نظرات و نظام ارزشی افراد شده و آنها را برای زندگی در یک جامعه مدرن آماده می‌کند و افرادی که بیشتر در معرض رسانه‌های ارتباط جمعی قرار می‌گیرند، دیدگاه‌های مدرن‌تری در خصوص مسائل مختلف همچون خانواده دارند.

افزایش سطح تحصیلات هم باعث تحولات فردی و دگرگونی در ایده‌آل‌ها و نگرش‌های شخصی می‌شود و با گسترش افق دید افراد به ماورای مرزهای سنتی جامعه، آنها را با ارزش‌ها و هنجارهای مدرن آشنا می‌سازد. همچنین تحصیلات می‌تواند به تغییراتی اساسی در توقعات و انتظارات جوانان، زیر سوال بردن باورهای سنتی و ساختارهای قدرت و در نهایت استقلال زنان و قدرت چانه‌زنی آنها در مسائل خانوادگی منجر شود. برای مثال؛ تحصیلات یکی از مهمترین دلایل شکل‌گیری تفاوت‌های نسلی بین جوانان و والدین است.

نوسازی مستلزم یک فرایند عرفی‌شدن نیز است. عرفی‌شدن به این معناست که به‌طور نظام‌مند عقل و علم جایگزین نهادها، اعتقادات و کردارهای مذهبی می‌شود (واترز، ۱۳۸۱: ۲۴۲). رواج ارزش‌های سکولاریستی موجب تغییر در ارزش‌های خانوادگی سنتی می‌شود. در این زمینه، یافته‌های نیلز^۲ (۲۰۰۶) بیانگر آن است که کاهش میزان ازدواج، افزایش همخانگی و باروری‌های ناشی از روابط فرازنشویی در بلژیک ناشی از رشد عرفی‌شدن ارزش‌ها و باورهای دینی است. در واقع، فرایند نوسازی با عرفی‌سازی باورهای دینی افراد، پیامدهای مهمی در نهاد خانواده همچون رواج خانواده‌های سکولار و آئین‌زدایی شده و گسترش روابط همخانگی و تجردزیستی داشته است. عرفی‌شدن باورهای دینی و بازاندیشی و تردید نسبت به نهادها و امور مختلف، جزء جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌ها هستند که به نوبه خود سبب شده‌اند تا نسل‌های امروزی طبق اراده آزاد خود برای زندگی‌شان تصمیم بگیرند و در مسائل مختلفی همچون ازدواج به سمت روابط مدرن مثل رابطه ناب، عشق سیال و همخانگی بروند.

۱. Inkeles & Smith

۲. Neels

افزون بر این، نوسازی باعث ظهور یا شکل‌گیری دموکراسی عاطفی در خانواده شده است. تجربه نوسازی و تحول اقتصاد کشاورزی به صنعتی، محدودیت‌های زندگی شهری و رشد مساوات‌طلبی جنسیتی، امکان ادامه حیات خانواده پدرسالار سنتی را نمی‌دهد. نوعی فشار و الزام بیرونی در جامعه جدید بر روی افراد وجود دارد که نظام پدرسالاری را محدود کرده است. خانواده امروزی را دیگر نه می‌توان پدرتبار دانست و نه مادرتبار، زیرا اولاً؛ ساختار قدرت در خانواده تغییر کرده است و دوماً؛ خویشاوندان پدر و مادر به طور یک‌سان برای فرزندان اهمیت می‌یابند و ارتباط با آنها به یک نحو صورت می‌پذیرد. خانواده‌ها به سمت خانواده دموکراتیک یا برابر پیش می‌روند، یعنی شاهد تصمیم‌گیری مشترک زن و مرد در امور مختلف و نوعی تقسیم کار خانگی مشترک و افزایش منزلت فرزندان هستیم. «در خانواده‌های هسته‌ای امروزی و نسل‌های جدید، قدرت در پدر مرکزیت ندارد بلکه به صورت اشتراکی درآمده است. زنان از طریق منابع غیرمادی همچون تحصیلات و جذابیت و غیره در خانواده اعمال قدرت می‌کنند و فرزندان، از طریق منابعی همچون عواطف، خواسته‌های خود را پیش می‌برند. این تنوع قدرت، مدل سنتی را که در آن منابع قدرت صرفاً مادی‌اند و مرد به واسطه دسترسی به شغل، پول و اموال، اعمال قدرت می‌کند، به چالش کشیده است» (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲). در واقع، با تضعیف قدرت سنتی مردان، ما شاهد افزایش قدرت زنان و به‌ویژه فرزندان در خانواده هستیم.

برای تقویت فرصت‌ها و جلوگیری از بیم‌های نوسازی در نهاد خانواده لازم است تا سیاست‌گذاری‌های مناسبی در خصوص این نهاد دیرپای صورت گیرد. سیاست‌های اتخاذ شده در خصوص خانواده باید سرعت تغییر و تحولات در جامعه و حتی خانواده را در نظر بگیرند. در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته حتماً باید به مسائل نوظهور خانواده همچون رابطه ناب، عشق سیال، روابط فرامجردی، سرمایه اجتماعی خانوادگی، مک‌دونالیزه‌شدن خانواده، خانواده‌گریزی، تفاوت‌های بین‌نسلی بین والدین و فرزندان و غیره توجه ویژه‌ای شود.

منابع

- احمدی، وکیل؛ قاسمی، وحید و کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۹۱) بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی خانواده، *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۰ (۱): ۱۰۲-۸۱.
- اعتمادی‌فرد، سیدمهدی (۱۳۹۴) *تحولات خانواده، طلاق و ازدواج*، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، جلد دوم، تهران: وزارت کشور، مرکز امور اجتماعی و فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی و ظهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۸۹) بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده، *خانواده‌پژوهی*، ۶ (۲۳): ۲۹۷-۲۷۹.
- آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر (۱۳۸۶). تحلیل ارزش‌های سستی و مدرن در سطوح خرد و کلان، *نامه علوم اجتماعی*، ۱۹ (۳۰): ۹۷-۱۲۱.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی‌ساعی، محمدحسن؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۰) سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۲ (۲): ۳۴-۱.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی‌ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۱) همخانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۳ (۱): ۷۷-۴۳.
- رحیمی، ماریا و رضایی، محمد (۱۳۹۶) مطالعه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی، *مطالعات زنان و خانواده*، ۵ (۱): صص ۷۷-۵۳.
- رزاقی نصرآباد، حجه‌بی‌بی و فلاح‌نژاد، لیلا (۱۳۹۶) تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه شهر هشتگرد)، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹ (۶۵): ۸۴-۶۳.
- رستگارخالد، امیر و محمدی، میثم (۱۳۹۴) تغییرات فرهنگی و افت باوری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶ (۸۵): ۱۸۰-۱۵۹.
- زاهدی، محمدجواد و نازک‌تبار، حسین (۱۳۹۳) نوسازی و دگرگونی‌های بحران‌ساز در خانواده (بررسی مسائل نوین خانواده در نقاط شهری استان مازندران)، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳ (۳): ۳۸۲-۳۵۷.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۲) تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی، *زن در فرهنگ و هنر*، ۵ (۱): ۸۴-۶۳.
- صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۹۳) تفاوت بین‌نسلی در خانواده، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۱ (۴۲): ۹۰-۷۸.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۴) قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، *پژوهش زنان*، ۳ (۱): ۴۷-۲۵.
- عبدی، عباس (۱۳۹۶) *مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران*، تهران: نی.
- عسکری‌ندوشن، عباس؛ عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۸) مادران، دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۲ (۴۴): ۳۶-۷.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱) *خانواده و زندگی شهری: تحول خانواده‌ها در بستر تجدد، شهرنشینی و رسانه‌ای شدن*، تهران: تیسرا.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳) *تاریخ فرهنگی ایران مدرن*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قانع‌راد، سیدمحمدامین و عزلتی‌مقدم، فاطمه (۱۳۸۹) بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۱): ۱۹۳-۱۶۱.
- کهنه‌پوشی، آکو؛ کلدی، علیرضا و سیدمیرزایی، سیدمحمد (۱۳۹۶) بررسی درک معنایی تداوم و تغییر خانواده (مطالعه موردی: شهر مریوان)، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱ (۱): ۱۶۹-۱۴۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه محمدرضا جلائی‌پور، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳) *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) *از سنت به نوسازی: مطالعه تغییرات اجتماعی به روش اتنوگرافی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۷) *مشکل استقلال جوانان و تأثیر آن در نگرش‌های سیاسی آنان*، مجموعه مقالات و گفتگوهای امروز و فردای جوان ایرانی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه انسانی.
- ملکی، امیر؛ ربیعی، علی؛ شکرپیگی، عالیبه و بالاخانی، قادر (۱۳۹۴) بررسی فردی شدن خانواده در ایران با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۳، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۸ (۶۹): ۹۶-۴۱.

- میرزایی، حسین؛ شریعتی، سارا و باباصفری، نافع (۱۳۹۳) بررسی رابطه نوسازی و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان شهر و روستاهای سندج، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳ (۴): ۶۰۳-۶۳۷.
- میرمحمدرضایی، سیده زهرا؛ ساروخانی، باقر، و سرایی، حسن (۱۳۹۵) مطالعه کیفی جهانی‌شدن و تغییرات خانواده در شهر زنجان، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۲ (۴۵): ۱۳-۴۴.
- میرمحمدرضایی، سیده زهرا و ساروخانی، باقر (۱۳۹۷) نقش جهانی‌شدن در تغییرات دو دهه خانواده ایرانی، *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳ (۴۴): ۱۶۴-۱۳۱.
- نازک‌تبار، حسین؛ ملانیا جلودار، شهرام و حسینی درونکلائی، سیده زهرا (۱۳۹۴) تحلیلی بر نوسازی و کارکرد خانواده در استان مازندران، *مطالعات زن و خانواده*، ۳ (۲): ۱۴۹-۱۲۱.
- ندروین پیترز، جان (۱۳۹۴) *نظریه توسعه*، ترجمه انور محمدی، تهران: گل‌آذین.
- نیازی، محسن و پرنیان، لیلیا (۱۳۹۳) سنخ‌بندی دوستی‌های بین دو جنسی (مورد مطالعه: دختران جوان شهر کرمانشاه)، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲ (۴): ۵۷۶-۵۵۹.
- واترز، مالکوم (۱۳۸۱) *جامعه سنتی و جامعه مدرن*، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.

References

- Barlow, A, Burgoyne, C, Clery, E, Smithson, J. (2008) Cohabitation and the law: myths, money and the media, *Journal British Social Attitudes*, 24 (2): 29-52.
- Bright, W. (2000) *Cultural anthropology today*, California: CRM Books, Dehmar.
- Denzin, K. N., & Lincoln, S. Y. (2018) *Handbook of Qualitative Research*, Los Angeles: Sage.
- Doddamani, K. N. (2014) A sociological study on changing family structure in Karnataka, *IOSR Journal Of Humanities And Social Science*, 19 (6): 63-59.
- Flick, U. (2018) *Doing Grounded Theory*, Los Angeles: Sage.
- Gavrov, S. & Klyukanov, I. (2015) *Modernization, sociological theories of*, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd edition.
- Huang, M. P, Smock, J. P, Manning, D. W, Bergstrom-Lynch, C, A. (2011) He says, she says: Gender and cohabitation. *Journal of family issues*. 32 (7): 876-905.
- Ibrahim, S., Hussain Abbasi, M., Adnan, A. & Bhatti, W. (2011) Cognition and impact of modernization in changing normative structure of family system. *International Journal of Business and Social Science*, 2 (14): 271-277.
- Inkeles, A., & Smith, D. H. (2014) *Becoming Modern*, Harvard University Press.
- Jayakody, R., Thornton, A., & Axinn, W. (2008) *International family change: Ideational perspectives*. New York: Taylor & Francis Group/Lawrence Erlbaum Associates.
- Kumar, A. (2012) The impact of globalization on family-structure: a sociological study. *Journal of Experimental Sciences*, 3 (1): 10-13.
- Mishra, R., Ansari, S., & Mishra, S. (2012) A comparative study of changing Family Composition, Structure and Practices in urban area of Kanpur City (UP). *International Journal of Scientific and Research Publications*, 2 (10): 1-5.
- Neels, K. (2006) *Fertility postponement: cultural dynamics or structural change?*. European Population Conference, Liverpool.
- Pontalti, K. (2018) Kinship 'matters': continuity and change in children's family relations across three generations in Rwanda. *Childhood Journal*, 25 (2): 1-16.
- Quisumbing, A. R. & Hallman, K. (2003) *Marriage in transition: Evidence on age, education and assets from six developing countries*. New York: Population Council.

- Rahman, S. A., & Uddin, Md. S. (2017) The impact of globalization on family values, *International Journal of Advanced Research*, 5 (8): 968-977.
- Ritzer, G. (1992) *The McDonaldization of society*. Pine Forge Press.
- Sadeghi, R., & Agadjanian, V. (2019) Attitude and propensity to divorce in Iran: Structural and ideational determinants. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60 (6): 1-22.
- Ting, C. (2012). *The impacts of modernity on family structure and function: a study among Beijing, Hong Kong and Yunnan families*, Doctoral dissertation, Lingnan University, Hong Kong.
- Victor Mensah, J. (2016) Effects of modernisation on the socio-cultural aspects of families in Ajumako-Enyan-Essiam district in Ghana, *International Journal of Economics, Commerce and Management*, 5 (4): 820-841.
- Wang, Y. T., & Yang, W. S. (2019) Changes and Trends in Family Structure in Taiwan, 1990 to 2010. *Journal of Family Issues*, 40 (14), 1896-1911.

A Qualitative Study of the Consequences of the development Modernization Approach in the Family Institution: Fears and Hopes

Mohammad Abbaszadeh¹ | Samad Adlipour^{*2} |
Mohammad Bagher Alizadeh Aghdam³ | Tavakol AghaYari Hir⁴

1. Professor of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: M.abbaszadeh2014@gmail.com
2. Corresponding Author*, PhD student of Sociology, Tabriz University, Tabriz, Iran. Email: S.adlipour@tabrizu.ac.ir
3. Professor, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: Aghdam1351@yahoo.com
4. Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: T.aghayari@tabrizu.ac.ir

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: December 2021

Accepted: October 2022

Keywords:

Modernization, Development, Family, Tabriz city

Introduction: The emergence of development modernization programs in Iran has provided a favorable context for some changes in the family institution. These changes have had implications for the Iranian family. The target of the present study is to study the implications of the development modernization approach in the family institution.

Methodology: The research method used in this study is qualitative and the grounded theory is used as the operational method of research. The statistical sample of the study includes the citizens and experts in Tabriz. The sampling strategy is theoretical and the sampling method is purposeful. After the data saturation, sample size included 34 persons.

Results: Research findings indicate that developmental paradigm or approach has caused the family breakdown, emergence of pure relationship, formation of fluid love, extramarital relationship, erosion of social capital in the family, family McDonaldization, increased intergenerational differences between parents and offspring, the formation of emotional democracy and finally transformation of intimacy and personal relationships in the family.

Conclusions: In family policy-making, attention should be paid to emerging issues such as pure relationships, fluid love, extramarital relationships, family social capital, McDonaldization of the family, family alienation, intergenerational differences between parents and children, etc.

Cite this article: Abbaszadeh, M., Adlipour, S., Alizadeh Aghdam, M.B., AghaYari Hir, T. (2025). A Qualitative Study of the Consequences of the development Modernization Approach in the Family Institution: Fears and Hopes. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (Special Issue), 21-37.



© Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/JEDS.2022.37641.1345](https://doi.org/10.22034/JEDS.2022.37641.1345)